

بعثی‌ها برای سرش جایزه تعیین کرده بودند



همرزم شهید برونسی گفت: بعثی‌ها برای سر شهید برونسی جایزه تعیین کرده بودند؛ در عملیات بدر وقتی به اتیکت لباسش نگاه کردم متوجه شدم اسمش بر روی آن نیست که معلوم بود این سردار شهید به این مسئله توجه داشته است.

همرزم شهید برونسی گفت: بعثی‌ها برای سر شهید برونسی جایزه تعیین کرده بودند؛ در عملیات بدر وقتی به اتیکت لباسش نگاه کردم متوجه شدم اسمش بر روی آن نیست که معلوم بود این سردار شهید به این مسئله توجه داشته است.

عباس خوشبو، پیک تیپ 18 جوادالائمه (ع) و از هم‌زمان سردار شهید «عبدالحسین برونسی« در عملیات بدر در گفت‌وگو با خبرنگار ایثار و شهادت باشگاه خبری فارس «توانا« در خصوص نحوه آشنایی با شهید برونسی اظهار داشت: سال 62 بعد از قبول شدن در دانشگاه فردوسی برای تحصیل در رشته الکتروتکنیک از تهران عازم مشهد شدم و با آشنایی با «محمد رجب‌زاده« مسئول توزیع نیروهای اعزامی به جبهه به لشکر 5 نصر و سپس تیپ جوادالائمه (ع) معرفی شده و به عنوان راننده تدارکات، مشغول خدمت شدم.

خوشبو بیان داشت: بعد از عملیات میمک که به خاطر لو رفتن، ادامه نیافت، به مرخصی آمدم؛ ترم دوم دانشگاه بودم که با شروع مجدد عملیات به منطقه اعزام شدم و در این دوران بود که با شهید برونسی و خانواده وی و حتی دو فرزندش که به منطقه آمده بودند، آشنا شدم.

پیک تیپ 18 جوادالائمه (ع) در عملیات بدر یادآور شد: یک روز شهید برونسی به من گفت «عباس دعا می‌کنم شهید نشوی« زمانی که علتش را پرسیدم گفت «برای اینکه تا آخرش بیایی« من هم گفتم «توکل برخدا«.

خوشبو با اشاره به اینکه شهید برونسی در عملیات بدر به او الهام شده بود که شهید می‌شود، عنوان کرد: یکی از هم‌زمان و همسالان نزدیک شهید برونسی به نقل از وی می‌گوید «زمانی که از چادر ستاد تیپ بیرون آمدم، یک خانمی را مشاهده کردم که ایستاده است« به او گفتم «چرا اینجا ایستاده‌ای اینجا منطقه جنگی است«، گفت «مگر شما مرا صدا نزدیدی« بعد از این اتفاق بود که سردار برونسی می‌گوید «اگر در این عملیات شهید نشوم باید به مسلمانی خودم شک کنم«.

این رزمنده دفاع مقدس با اشاره به حضور سردار محمد باقر قالیباف در عملیات بدر گفت: با عبور 10 قایق از نیروهای گردان ولی‌الله بر روی خط سردار قالیباف در سه راهی منتهی به هور به «مجید گرایلی« گفت «گردان کجاست« و مجید پاسخ داد «از 30 قایق گردان همین 10 قایق توانستند برسند« سردار قالیباف گفت «سریع به سمت سه راهی جلو بروید، اوضاع خوب نیست«.

* مجید گرایلی روی پاهای من به شهادت رسید

وی در ادامه افزود: نزدیک به یک کیلومتر به سمت شرق دجله حرکت کردیم، نزدیک صبح مشخص شد که باید تا سه راهی عقب بیاییم و از همان موقع معلوم شد فضای خوبی در منطقه حکم فرما نیست.

این هم‌رزم شهید برونسی ادامه داد: در آغاز عملیات بدر من به همراه «مجید گرایلی« نزدیک خطوط دشمن بودیم و با کمک سایر رزمندگان توانستیم 15 تانک دشمن را منهدم کنیم و هلی‌کوپتر عراقی‌ها که با بدنه شیشه‌ای برای بازدید منطقه آمده بود، توسط شهید «داورزنی« از فاصله 200 متری سرنگون شد و درست تا ساعت 9 صبح عملیات ما نسبت به دشمن برتری داشتیم.

خوشبو یادآور شد: نزدیک ساعت 10 عراقی‌ها در حال پیش روی بودند که «مجید گرایلی« توسط تک تیراندازهای نیروهای بعثی هدف قرار گرفت و روی زمین افتاد و در حالی که او را به آغوش گرفته بودم با گفتن شهادتین به شهادت رسید. وی با اشاره به آتش سنگین دشمن در پدافند موشکی و زرهی گفت: آریپی‌های دشمن 2 تا 3 نفر از رزمندگان را به شهادت رساند و عراقی‌ها با استفاده از این سلاح، ما را همانند سیبلی مورد هدف موشک‌های زرهی و آریپی‌های خود قرار داده بود. پیک تیپ 18 جواد الائم (ع) با اشاره به نحوه شهادت سردار برونسی خاطرنشان کرد: خبر شهادت «مجید گرایلی« را برای فرماندهام شهید برونسی بردم و او بدون وقفه مرا با یک نیروی بسیجی که یک تیربارچی هم داشت، دوباره به همان منطقه مأمور کرد که متأسفانه آن بسیجی نیز با تیر مستقیم دشمن به شهادت رسید.

این رزمنده دفاع مقدس در ادامه اظهار داشت: در اثر انفجار یک خمپاره 60 در نزدیکی‌ام، مجروح شدم که با وسایل امدادی آن شهید بسیجی به مداوای خودم مشغول شدم؛ زمانی که می‌خواستم خودم را دوباره به سردار برونسی برسانم، در فاصله 15 متری آنها بودم که ناگهان خمپاره‌ای دیگر در وسط جمع سردار برونسی و بی‌سیم‌چی‌ها به زمین اصابت کرد که همگی به شهادت رسیدند.

همرزم شهید برونسی یادآور شد: بر اثر ترکش آن خمپاره از ناحیه سر مجروح شده و بر زمین افتادم؛ در همین زمان دو عراقی به بالای

خاکریز آمدند و دو نارنجک پرتاب کردند و دوباره به عقب برگشتند که این نارنجک‌ها در نزدیکی شهید برونسی و همزمانش منفجر شد.

خوشبو با پرداختن به ادامه این عملیات گفت: به دلیل مجروحیت سخت و هوای گرم منطقه هور به عقب برگشتم و توسط یکی از نیروهای 171#«تعاون و با یک قایق که مخصوص حمل مجروحین بود به بیمارستان صحرایی منتقل شدم؛ دو قایق برای حمل مجروحین در نظر گرفته شده بود که قایق نخست با برخورد موشک منهدم شد و تنها قایق ما توانست به عقب برگردد.

* بعثی‌ها برای سر شهید برونسی جایزه تعیین کرده بودند

وی با اشاره به شجاعت، اخلاص و ایمان سردار شهید برونسی اظهار داشت: شهید برونسی به خاطر موفقیت‌هایی که در عملیات‌های قبلی داشت، بعثی‌ها برای سر او جایزه تعیین کرده بودند؛ او این مسئله را می‌دانست و در عملیات بدر زمانی که به اتکت لباسش نگاه کردم متوجه شدم اسمش بر روی آن نیست که معلوم بود این شهید عزیز به این مسئله توجه داشته است.

* برونسی؛ سردار شجاع جبهه‌های حق

به گزارش فارس 171#«عبدالحسین برونسی؛ به تاریخ 23 شهریور ماه 1321 در گلبوعلیای کدکن تربت حیدریه به دنیا آمد؛ از آنجایی که علاقه وافری به درس داشت وارد مدرسه شد اما به دلایل بی‌حجابی معلمش از رفتن به مدرسه امتناع کرد و در مکتب‌خانه روستا به آموزش قرآن پرداخت.

با ورود مأمورین اصلاحات ارضی شاه به روستا و عدم قبول آب و ملک، باعث مهاجرتش به مشهد شد. مشاغل متفاوت را تجربه کرد و چون در هر کدام شبهه‌ای بود دست به شغل بنایی زد. با ارشادات مقام معظم رهبری با مسایل سیاسی آشنا شد و پا در رکاب مبارزه با رژیم پهلوی گذاشت و توسط مأمورین ساواک دستگیر و در زیر شکنجه دندان‌هایش شکست.

انقلاب که پیروز شد، جزو نخستین افراد اعزامی به کردستان بود، عرصه‌های نبرد حق علیه باطل بستر مناسبی بود که استعداد بالقوه او شکوفا شود و از فرماندهی گروهان، به فرماندهی تیپ هجدهم جوادالائمه (ع) برسد و در این سال‌ها رشادت و ایثارگری او زبانزد خاص و عام بود تا آنجا که دشمن چنان هراسی از این فرمانده بسیجی داشت که برای سرش جایزه تعیین کرد. این سردار سرفراز بعد از زیارت خانه خدا به مرحله‌ای از شهود رسیده بود که زمان و مکان شهادت خودش را می‌دید و سرانجام در عملیات بدر، پس از رشادت بسیار در 23 اسفند ماه 63 در چهار راه خندق به شهادت رسید.

آخرین مسئولیت سردار شهید 171#«عبدالحسین برونسی؛ در دوران دفاع مقدس، فرماندهی تیپ هجده جواد الائم (ع) بود که پیش از عملیات خیبر، آن را بر عهده داشت. پیکر شهید برونسی بعد از شهادت مفقودالآثر بود و بعد از غریب به دو ماه در 9 اردیبهشت 64 در شهر مشهد بر شانه ملائک تشییع شد.

*اگر در هر کار خدا را در نظر بگیرید انحراف ایجاد نمی‌شود

درفرازی از وصیت‌نامه سردار شهید عبدالحسین برونسی آمده است 171#«شما ای زن، چون زینب کبری (سلام‌الله علیها) فرزندانم را هم پدری کن و هم مادری، مادری که اسلام می‌گوید. برای چندمین بار باز هم می‌گویم هر کس آمد و گفت فرزند بی‌بابا نمی‌خواهم باید توی دهنش بزنی. همسر عزیزم شما هفت فرزند دارید، باید آنها را آنچنان با اسلام آشنا کنید که روز قیامت هم به درد خودت بخورند و هم به درد من، در راه امام‌خمینی (ره) که همان راه قرآن و راه امام حسین است بروند تا سرحد شهادت.

در هر کار اگر انسان خدا را در نظر بگیرد انحراف ایجاد نمی‌شود. همسر عزیزم! اگر شما این حرف‌هایی که من در وصیت‌نامه نوشتم، عمل کردید، من اگر در راه خدا شهید شدم، شما را تا به بهشت نبرم! خودم نمی‌روم؛